دلایل عدم الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا

رضا عابدی گناباد[1]

تاریخ دریافت:۱۳۸۹/۳/۲ تاریخ پذیرش نهایی:۱۳۸۹/۶/۲۱

فصلنامه آفاق امنیت/ سال سوم / شماره هفتم - تابستان ۱۳۸۹

چکیده:

مهم‌ترین راهبرد کلان جامعه و دولت ترکیه پیوستن به جمع کشورهای اتحادیه اروپاست. رسیدن به این آرزو که عده‌ای آن را ناممکن می‌شمارند، دست‌کم بیش از چهار دهه ذهن سیاست‌مداران غرب‌گرای ترکیه را به خود مشغول کرده است. ترکیه به علت گرایش‌های سنتی غرب‌گرایانه، کسب وجهه بین‌المللی و مهم‌تر از همه تأمین منافع اقتصادی بلندمدت، همواره مایل به ورود به اتحادیه اروپا بوده است. این علاقه به حدی است که در تاریخ معاصر ترکیه مهم‌ترین مسئله در تدوین سیاست‌های کلان داخلی و خارجی این کشور رسیدن به آرزوی دیرینه پیوستن به اتحادیه اروپا بوده است. خواه گروه حاکم در ترکیه اسلامگرایان عدالت و توسعه باشند یا جریان‌های سکولار و لائیک دست راستی چون مام میهن، راه راست یا احزاب لائیک و ارتدوکسِ دست چپی چون حزب جمهوری‌خواه خلق، این مهم چندان تفاوتی نکرده است.

به رغم امتیازات پیاپی ترکیه به اتحادیه اروپا و نیاز متقابل اروپا به این کشور، بسیاری از سران اروپایی با مطرح کردن تمایزهای مذهبی ترکیهٔ مسلمان با کلوپ مسیحی اروپا مانع تحقق این رؤیا شده‌اند.

فرضیه اصلی که این نوشتار به دنبال واکاوی آن است با تمرکز بر تمایزهای مذهبی میان ترکیهٔ مسلمان و اتحادیه اروپای مسیحی، دورنمای نزدیکی برای پیوستن آنکارا به این اتحادیه قائل نیست.

با توجه به فرضیه اصلی این پژوهش مشخص می‌شود این نوشتار باید به ابعاد مختلفی چون سیاست و تاریخ به ویژه ذهنیت منفی اروپاییان به اسلام بپردازد. به همین علت، روش آزمون فرضیه اصلی بـراساس روش های تاریخی، تحلیلی، اثبـاتی و مقایسه ای است. به لحاظ چارچـوب نظری، نـظریه سازه انگاری به ویژه تأکید این تئوری بر نقش هویت مبنای کار قرار گرفته است.

واژگان کلیدی:

اتحادیه اروپا، ترکیه، مردم مسلمان ترکیه و اسلام‌هراسی

۱ . کارشناس ارشد علوم سیاسی و کارشناس مسائل ترکیه

مقدمه

ترکیه پس از پایان جنگ جهانی اول و اعلامیه جمهوری در سال ۱۹۲۳، الگوی اروپای غربی را برای ساختار غیرمذهبی خود برگزید. در این میان، پیوستن به اروپا یکی از رؤیاهای حاکمان این کشور بوده است. برای مثال، حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه در برنامه انتخاباتی خود می‌گوید: «از آنجا که هدف اولیه ترکیه در سیاست خارجی پیوستن به اتحادیه اروپا و دستیابی به معیارهای لازم در این خصوص است، باید از هر گونه رفتاری که [ممکن است] در این هدف خللی ایجاد کند، بپرهیزد.» (محمدیان، ۱۳۸۱: ۶۳) از نظر اتحادیه اروپا، ترکیه تنها مردم‌سالاری غیرمذهبی و سکولار در دنیای اسلام محسوب می‌شود که همواره به دنبال توسعه روابط با کشورهای اروپایی بوده است. این نگرش با در نظر گرفتن اینکه فرهنگ ترکیه آثار عـمیقی روی ملـل شرقی و اروپای جنوبی داشته است، جالب مـی‌نماید. (Relations Between..., 2009)

در راستای درخواست های اتحادیه اروپا برای عضویت آنکارا در این اتحادیه، ترکیه اصلاحات گسترده‌ای در ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، قضایی و اعطای برخی امتیازات به اقلیت های قومی و مذهبی در دستور کار خود قرار داده است. در جدیدترین این اصلاحات پس از هفته ها مبارزه پر شور خیابانی، همه پرسی اصلاح قانون اساسی با مشارکت ۷۷ درصدی واجدین شرایط و رأی مثبت ۵۸ درصد از شرکت‌کنندگان مورد تأیید قرار گرفت. این همه‌پرسی ۲۶ ماده از قانون اساسی ترکیه را هدف قرار داده بود که طی کودتای دهه های ۶۰ و ۷۰ به ویژه کودتای ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰ به عنوان ابزار تحکیم نفوذ ارتش و دستگاه قضایی مورد استفاده حامیان سرسخت لائیسم قرار گرفته بود.

درباره سیستم قضایی، به ویژه دادگاه قانون اساسی، دولت با ایجاد تغییراتی در ترکیب دادگاه، نفوذ قضات را در آن کمتر کرد؛ بدین ترتیب که اعضای آن را به یازده قاضی و چهار علی البدل و در مجموع، هفده قاضی افزایش داد. در اصلاحیه پیشنهادی، مجلس سه تن از اعضای دادگاه را انتخاب می‌کند و رئیس‌جمهور باقی قضات را از میان نامزدهای پیشنهادی دادگاه های مختلف برمی گزینند. به عبارت دیگر، این تغییر متضمن نقش فعال تری برای پارلمان خواهد بود. حذف ماده ۱۵، مصونیت قضایی کودتاگران را از بین خواهد برد. علاوه بر این، در

اصلاحیه جدید، اعضای نیروهای انتظامی می توانند در مقابل دادگاه های مدنی نیز محاکمه شوند. در این بخش بر تبعیت محاکم نظامی از قوانین جزای عمومی صحه گذاشته شده است.

در حوزه آزادی های مدنی و حقوق شهروندی نیز بسط حقوق شهروندی، ارتقای حقوق کودکان و اجازه مذاکره بر سر تعرفه های حقوقی برای کارمندان دولت لحاظ شده است. اگرچه در متن اصلاح‌شده ممنوعیت اعتصابات عمومی لغو شده است، کارمندان دولت هنوز هم حق اعتصاب ندارند.

علاوه بر این اصلاحات، اروپایی‌ها موارد دیگری را هم از دولت ترکیه درخواست کرده‌اند که تاکنون برای هیچ کشور دیگری مطرح نبوده است. امضای پروتکل ویژه مهاجرت کارگران ترک به کشورهای اروپایی که ورود این کارگران را به مدت ۱۵ سال ممنوع می‌سازد، از جمله این درخواست‌هاست. هم‌چنین دولت ترکیه متعهد به رسمیت شناختن جزیره قبرس پس از آغاز مذاکرات و عذرخواهی از کشتار انجام‌شده علیه ارمنی‌ها شده است.

از میان این شروط از همه مهم‌تر حق اتحادیه اروپا برای پایان دادن یکجانبه به ادامه مذاکرات است که ترکیه را در آینده با چالش‌های مهمی روبه‌رو خواهد کرد. جالب آنکه براساس بند دوم چارچوب مذاکرات که مبتنی بر مذاکرات اکتبر ۲۰۰۵ شورای اروپا بود، موارد مورد مذاکره ممکن است مورد بازبینی مجدد اتحادیه قرار گیرد و پذیرش پاسخ ترکیه لزوماً به معنای پذیرش نهایی تلقی نمی‌شود.

با این حال، کشورهای اروپایی بر این باورند که در سال‌های اخیر، به ویژه پس از اعلام رسمی آغاز مذاکرات اتحادیه اروپا با ترکیه در سال ۲۰۰۵، از دامنه این اصلاحات کاسته شده است. برای مثال، کمیسیون اروپا در سال ۲۰۰۹ به صراحت از روند کند اصلاحات در ترکیه، وضعیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مناطق کردنشین جنوب شرقی این کشور، استمرار نفوذ نظامیان در حاکمیت سیاسی، فقدان آزادی بیان و عدم رعایت حقوق اقلیت‌ها انتقاد کرد و به نوعی تلاش‌های دولت و حاکمیت ترکیه را زیر سؤال برد.

بین ترک‌ها نیز به علت تشدید سرخوردگی‌های عمومی، علاقه برای عضویت در اتحادیه اروپا کاهش یافته است. ملی‌گرایان چپ و راست در میان

احزاب ترکیـه اخیـراً خواستار توقف مـذاکرات ایـن کشـور با اتحادیه اروپا شـــده‌اند. (مـولانـا، ۱۳۸۶: ۱۶)

چهار سال پیش، نظرسنجی‌ها نشان می‌داد که بیش از ۷۰ درصد مردم ترکیه مایل‌اند کشورشان عضو اتحادیه اروپا شود؛ در حالی که امروز فقط ۴۳ درصد مردم ترکیه با پیوستن این کشور به اتحادیه اروپا موافق‌اند. یکی از دلایل مهمی که مردم ترکیه گرایش خود را برای عضویت در اتحادیه اروپا از دست داده‌اند، قوانین سخت اتحادیه اروپاست. براساس این قوانین، شرکت‌های کوچک و متوسط ترکیه که ۵۵ درصد اقتصاد این کشور را اداره می‌کنند، مجبور خواهند بود تابع این قوانین باشند که حتی اندازه استاندارد میوه‌ها و شرایط تهویه هوای محیط کار را به این شرکت‌ها دیکته خواهد کرد.

در سال‌های اخیر قدرت‌یابی جریان‌های مخالف عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا به ویژه در کشورهایی چون فرانسه، آلمان، اتریش، هلند، دانمارک و ... بر عمق مخالفت‌ها با عضویت آنکارا در اتحادیه اروپا افزوده است. احزاب راست میانه فرانسه و آلمان که هم‌اکنون در این اتحادیه جایگاه قدرتمندی به دست آورده‌اند، سال‌هاست از مشارکت ویژه اروپا با ترکیه حمایت می‌کنند نه عضویت کامل این کشور در اتحادیه. جالب آنکه کشورهای جدید عضو اتحادیه اروپا به رغم مواضع آمریکاگرایانه، با عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا مخالف‌اند.[1] نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد به طور میانگین تنها ۳۵ درصد اروپاییان با پیوستن ترکیه به این اتحادیه موافق‌اند. (شکیبایی، ۱۳۸۸) نظرسنجی دیگری که با شاخص‌های اروپایی انجام شده است، نشان می‌دهد ۵۹ درصد اروپاییان با عضویت ترکیه مخالف‌اند و تنها ۲۸ درصد موافق عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا هستند. (Horsley2008,) حال این پرسش مطرح می‌شود که علت اصلی این مخالفت¬ها و ناکامی ترک‌ها برای عضویت در اتحادیه اروپا چیست؟

در برابر این پرسش، فرضیه‌هایی چون بحران کردستان، دخالت نظامیان در سیاست، مشکلات اقتصادی، مسئله حقوق بشر و اختلاف‌های ترکیه با یونان و ارمنستان مطرح است. نگارنده ضمن پذیرش این موارد به عنوان فرضیه های مکمل، مهم‌ترین مانع پیوستن نهایی ترکیه به اتحادیه اروپا را مسلمان بودن

۱. این مهم در حالی است که آمریکا همواره یکی از حامیان ترکیه در پیوستن به اتحادیه اروپا بوده است.

مردم این کشور و دیدگاه اوهام‌گونه و توطئه‌انگار اروپا درباره مسلمانان می‌داند. بر این اساس، ضمن پذیرش موانع دیگر پیش پای ترکیه، در این نوشتار به نقش دین مردم ترکیه به عنوان عامل اصلی مخالفت‌ها با عضویت این کشور در اتحادیه اروپا پرداخته شده است. گردآوری داده های لازم برای آزمون فرضیه‌های این پژوهش عمدتاً به روش کتابخانه ای بوده است.

این نگرش با توجه به تفاوت های هویتی اروپای مسیحی و ترکیهٔ مسلمان، مبنای بحث و واکاوی قرار گرفته است. در اولین گام به بررسی شاخص ها و ویژگی های مدل اسلامی ترکیه خواهیم پرداخت.

شاخص ها و ویژگی های مدل اسلامی ترکیه

واعظین از استان آناتولی «مغزهای مردم» را تسخیر کرده‌اند. کودکانی ۵ تا ۷ ساله در تلویزیون در وصف پیامبر اسلام سرودهای ستایش‌آمیز می‌خوانند. در شهرها تعداد بیشتری از زنان حجاب می‌کنند. کلاس‌های قرآن بسیار مورد علاقه و توجه قرار گرفته است. در آناتولی دیگر به ندرت نوشابه الکلی یافت می‌شود. مهم‌تر از هر چیز طی ماه رمضان اسلامیزه شدن جامعه بسیار مشهود است. در مقایسه با گذشته، رستوران‌های بیشتری بسته می‌مانند؛ گویی همه وظیفه دارند روزه بگیرند. امروز مسئولان شهر استانبول چادرهای بسیار بزرگی برپا و شب‌ها مجانی غذا توزیع می‌کنند. دین‌داران گستاخ‌تر می‌شوند. به این ترتیب در همین اواخر یکی از اعضای مهم دولت بدون اینکه مورد پرسش قرار گیرد، درخواست کرد اجرای قوانین اسلامی در ترکیه جامه عمل بپوشد.

در بخش آموزش، ۹۸ درصد تمام پست‌های جدید در اختیار وابستگان اتحادیه اسلامی آموزگاران قرار گرفته و تعداد نمازخانه‌های مدارس افزایش یافته است. مدیران مؤمن دفتر کاری خود را برای انجام نماز در اختیار نمازگزاران می‌گذارند یا به دانش‌آموزان هنرستانی برای شرکت در نماز جمعه مرخصی می‌دهند. در طول تعطیلات، دانش‌آموزان به کلاس قرآن می‌روند که مساجد هزینه‌های آنها را تأمین می‌کنند. اخیراً روزنامه اسلام‌گرای زمان مطلبی درباره «آتیل کوتگولو»، قدیمی‌ترین طراح مد ترکیه نوشت. وی برای حضور و رفتار مدرن زنان ترکیه نقش مؤثری ایفا کرده است. کوتگولو روسری‌هایی با رنگ‌های بسیار تند طراحی

می‌کند و به خانم‌ها یاد می‌دهد که چگونه سر و موهای خود را در عین پوشاندن با مد روز سازگار کنند.

این‌گونه مطالب را به راحتی می‌توان با رجوعی ساده به اینترنت از زبان لائیک‌های ترکیه و محافل غربی در باب رشد اسلام‌گرایی در ترکیه مشاهده کرد. حال باید دید این اسلام‌گرایی که آنان با تلخکامی از رشد آن سخن می‌گویند، چه نوع اسلام‌گرایی است و چه شاخصه هایی دارد؟

پیش از نفوذ اسلام در ترکیه، مسیحیت دین مورد قبول این دیار بود. از «دوران امپراتوری بیزانس که دوره آرامش آسیای صغیر» نام گرفته است، حملات ایرانیان و اعراب برای گسترش باورهای اسلامی در این منطقه تحولاتی عمیق ایجاد کرد، اما با تسلط تدریجی سلجوقیان بر این سرزمین، اسلام به عنوان دین رسمی این کشور شناخته شد. (اسکندریان و سیمیاریان، ۱۳۸۴: ۹۵ – ۹۴)

طبق آمارهای موجود، حدود ۹۹ درصد مردم ترکیه پیرو دین اسلام هستند. (ابوک، ۱۳۸۴: ۷۳) مسلمانان این کشور اکثراً تابع مذهب تسنن‌اند که در میان آنها حنفی‌ها بزرگ‌ترین گروه محسوب می‌شوند. این گروه عمدتاً در مرکز و غرب ترکیه سکونت دارند. شافعی‌ها با جمعیت کمتر در مناطق شرقی ترکیه مستقر و اکثراً کرد هستند. (قاسمی، ۱۳۷۴: ۲۷) هرچند در ترکیه هیچ آمار مشخصی از مذاهب و فرقه‌ها وجود ندارد، بر اساس برخی آمارها، حدود ۸۰ درصد مسلمانان ترکیه سنی و نزدیک ۲۰ درصد شیعه‌اند. (انصاری، ۱۳۷۳: ۱۲۳)

اگرچه پس از تأسیس جمهوری ترکیه سیاست لائیک به عنوان پایه این کشور مطرح شد و عملاً این سیاست در خدمت تضعیف فرهنگ دینی قرار گرفت، هنوز هم اسلام به عنوان شاخصی تعیین‌کننده و عامل وحدت‌بخش و هویت دهنده ملّی در مقابل مقوله‌های بیرونی مانند فرهنگ غربی و اروپایی توانسته است نقش اساسی در انسجام ملی و فرهنگی در ساختار اجتماعی ترکیه ایفا کند.

به نظر می‌آید اسلام در بطن جامعه ترکیه ریشه دوانده است. هرچند با سیاست‌های دین‌زدایی جمهوری لائیک، از عمق اعتقادات مردم ترکیه به ویژه بحث رعایت حدود و شعائر مذهبی کاسته شده، در سال‌های اخیر جامعه ترکیه بیشتر به سمت اسلامیزه شدن حرکت کرده است. اکثر جهانگردانی که پس از سال‌ها دوباره به این کشور سفر کرده‌اند، به این مسئله متعرف‌اند. امروز در مقایسه با

گذشته، تعداد کسانی که در ماه رمضان روزه می‌گیرند، بیشتر شده است. علاوه بر اینها افزایش حضور زنان شهری با پوشش اسلامی در سطح جامعه، افزایش رقم کسانی که به مسجد می‌روند و فوران انتشارات اسلامی نشان از تغییراتی شگرف دارد. (بی‌نا، ۱۳۷۶: ۱۴)

با این حال، باید پذیرفت که این اسلام‌گرایی در ترکیه با آنچه در ایران در ذهن داریم، کاملاً متفاوت است. اگرچه اوج گیری ناکامی های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ترکیه و مصادف شدن این ناکامی ها با پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان عوامل رشد گرایش به اسلام خواهی در این کشور محسوب می‌شوند، این مهم هیچ گاه به معنی مشابه بودن مدل اسلامی ترکیه با ایران نیست.

این رهیافت زمانی آشکارتر می‌شود که بدانیم اسلام ترکیه بر خلاف اسلام جهان عرب، حتی ایران، بر محوریت آموزش‌های اسلامی و تأکید بیشتر بر اسلام فردی و نه جمعی استوار است. در ترکیه معلم دینی وجود دارد اما از رهبران دینی که بتوانند توده‌ها را به حرکت درآورند، خیری نیست. در رویکرد اسلام‌گرایی مدل ترکیه که ترجمانی از صوفی‌گری است، عمل به دستورهای اسلام در سکوت و اتاق‌های شخصی توصیه می‌شود. اندیشه دینی در ترکیه بنا به علل تاریخی هرگز نتوانسته است به عمق لازم برسد.

حاکمیت بلامنازع و استبدادی خلفای عثمانی زمانی که از نام اسلام بهره می‌جستند و کنار گذاشتن تدریجی دین به علت اصلاحات اقتصادی و اجتماعی برای انطباق با اروپا در اواخر حکومت عثمانی و بالاخره حاکمیت دولت لائیک از موانع تاریخی و جدی در راه بسط و گسترش اندیشه دینی در این کشور بوده‌اند. باید پذیرفت که به دلیل عملکردهای غرب‌گرایانه و عمدتاً تحمیلی آتاتورک و حاکمان لائیک ترکیه پس از او، شاهد تضعیف و تحریف ارزش‌های دینی مردم ترکیه در برابر ارزش‌های غربی بوده ایم. اما به رغم تغییر ارزش‌های دینی و اسلامی به دلیل اقدامات آتاتورک و جانشینان لائیک او، اعتقادات ریشه‌دار مردم مسلمان ترکیه کاملاً از بین نرفته و نابود نشده است.

از شاخص های دیگر مدل اسلام گرایی ترکیه عدم رشد متفکران برجسته مذهبی همانند بسیاری از کشورهای اسلامی از جمله ایران، مصر و پاکستان

موضوع اصلیِ نگران‌کننده برای مخالفین، دین مردم ترکیه و تـغییر چهره اتـحادیه اروپا از نهادی مسیحی به نهـادی مختلط اسـت. (نوع‌پرست، ۱۳۸۳: ۸۸) بر اساس همین نگرش، بسیاری از مقامات سیاسی ترکیه در سال‌های اخیر از پای‌بند نبودن اتحادیه اروپا به تعهدات خود در قبال ترکیه انتقاد کرده‌اند.

۲. مهاجرت

از نظر بسیاری از شهروندان و دولت‌مردان اروپایی با عضویت ترکیه در اتحادیه، جمعیت جوان و پویای ترک برای زندگی بهتر به سوی اروپا سرازیر خواهند شد. در این صورت اروپا به عنوان جامعه‌ای مسیحی با خطرهایی مواجه خواهد شد. آنان برای اثبات دعاوی خود به میلیون‌ها ترک که در اروپا و کاملاً بر اساس آیین اسلام زندگی می‌کنند، اشاره می‌کنند. برخی پیش‌بینی‌های صاحب‌نظران سیاسی حاکی از آن است که به محض پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا بیش از چهار میلیون ترک به اروپا به ویژه آلمان مهاجرت خواهند کرد. (واحدناوان، ۱۳۸۳: ۶۲) این نگاه با توجه به میزان بیکاری بالاتر در ترکیه به خصوص بیکاری ۲۵ درصدی در مناطق کردنشین این کشور در مقایسه با اتحادیه اروپا، نگرانی فرضیه مهاجرت کارگران ترک به اتحادیه به منظور دستیابی به شرایط بهتر زندگی را نزد اروپاییان قوی تر کرده است.

جالب آنـکه هم اکنون شش میلیـون ترک در کشـورهای عضو اتحـادیه اروپا زنـدگـی می‌کنند که ایـن میزان بـیش از جمعیت برخـی دولت‌های اروپایی اسـت. (Banks, 2009) گرچه منابع رسمی اروپایی بیکاری شکل‌گرفته از این مهاجرت‌های احتمالی را به ویژه در شرایط بحران اقتصادی فعلی بهانه قرار داده‌اند، باید پذیرفت دین این مهاجران به عنوان عاملی تعیین‌کننده‌تر خودنمایی می‌کند؛ زیرا پیوستن ترکیه به این اتحادیه و در نتیجه مهاجرت جمعیت جوان این کشور به اروپا به ویژه آلمان ممکن است از دید اروپایی‌ها به عنوان عاملی برای تبلیغ اسلام معنا شود. قطعاً این مهم از نظر اروپایی‌ها نگران‌کننده خواهد بود. (تفسیر سیاسی اتحادیه اروپا، ۱۳۷۹: ۱۴)

مهاجرت مسلمانان به این جوامع و تشکیل جوامع متمایز داخل جوامع غربی و گرایش غیرمسلمانان این جوامع به اسلام و رشد بیشتر جمعیت مسلمانان مهاجر[1] در مقایسه

۱. در یک گزارش میزان زاد و ولد مهاجران مسلمان فرانسه ۹ برابر فرانسوی‌تباران ذکر شده است. (منصوری، ۱۳۸۵: ۳۸)

با سایر سکنه این کشورها باعث ایجاد و توسعه جوامع مسلمان در اروپا و در نتیجه، تشدید حساسیت به مسلمانان میان کشورهای اروپایی می‌شود. (امینیان، ۱۳۸۷: ۱۱۲)

نتایج تحقیقی درباره جمعیت مسلمانان در کشورهای اروپایی نشان می‌دهد تا سال ۲۰۵۰ یک‌پنجم اروپایی‌ها مسلمان خواهند بود. براساس این اطلاعات، جمعیت مسلمانان در انگلیس، اسپانیا و هلند در مدتی کوتاه‌تر افزایش خواهد یافت. افکار عمومی اروپا اغلب از گسترش اتحادیه اروپا ناراضی است، به ویژه از ترکیه در مقایسه با نامزدهای دیگر حمایت کمتری می‌کند. در این میان، افزایش حساسیت به مسلمانان در اروپا سبب شده است امور آنان با دقت و موشکافی دنبال شود.

اروپا هرگز نباید فراموش کند که مهاجرت به بسیاری کشورهای اروپایی کمک می‌کند بر مشکل کاهش جمعیت‌شان فائق آیند، زیرا در آنجا به دلیل میزان پایین باروری و ساختار سنی سالمند جمعیت، تعداد مرگ و میر از تعداد موالید بیشتر است. جولیان سایمون،[1] اقتصاددان برجسته، در کتابش به نام منابع بازپسین، از انسان‌ها به عنوان منابع نهایی نام می‌برد و مهاجرت را امری مطلوب اقتصادی می‌داند، زیرا تعداد افراد بیشتر به معنای خلاقیت و رشد بیشتر است. نتایج نشان می‌دهد برای حفظ نیروی کار در کشورهای فرانسه، آلمان، ایتالیا و انگلیس به میزان سال ۱۹۹۵، مهاجرت باید تا ۱/۱ میلیون نفر در سال افزایش یابد و سرانجام برای حفظ امنیت اجتماعی[2] که به معنای حفظ نسبت افراد ۱۵ تا ۶۴ سال (جمعیت فعال) به افراد ۶۵ سال به بالاتر است، مهاجرت باید ۳۷ برابر افزایش یابد و به حدود ۹ میلیون نفر در سال برسد. (مارتین و ویگرن، ۱۳۸۶: ۴۸-۴۵)

اگرچه مهاجران بسیاری از معضلات سیاسی، اقتصادی به ویژه فرهنگی خود را برای جوامع مهاجرپذیر اتحادیه اروپا به ارمغان می‌آورند، باید پذیرفت بسیاری از شغل‌هایی که مهاجران در جوامع غربی بر عهده می‌گیرند، مشاغل سخت و پست جامعه است که کمتر جمعیت بومی کشورهای اروپایی آنها را می‌پذیرند. هم‌چنین این مهاجران در مقایسه با شهروندان بومی حقوق کمتر و تعداد ساعت کاری بیشتری دارند. اروپا هرگز نباید فراموش کند که نخستین کارگران ترک در اوایل دهه ۱۹۶۰ به درخواست کشورهای اروپایی که درصدد پی‌ریزی اقتصاد پس از جنگ جهانی

1. Julian Simon
2

دوم بودند، به اروپا سرازیر شدند و به اقتصاد نوپای اروپا رونق دادند. پس از همه این سال‌ها، با وجود همه روابط انسانی، ترس از هجوم ترک‌ها هنوز بر ضمیر اروپاییان حاکم است. این دیدگاه‌ها در حالی است که توافقاتی بین ترکیه و اتحادیه اروپا وجود دارد که مهاجرت‌ها را برای یک دوره ابتدایی به این اتحادیه محدود می‌کند. این توافق مهاجرت ترک‌ها را برای ۱۵ سال به اتحادیه ممنوع کرده است.

علاوه بر این، اکثریت ترک‌های مقیم کشورهای اروپایی، امروز به عنوان کارگران میهمان و بخشی از توافقات دوجانبه زندگی می‌کنند. بسیاری از این کارگران و خانواده‌هایشان پس از اینکه شرایط اقتصادی‌شان را برای زندگی در ترکیه آماده کردند، به کشورشان باز می‌گردند. این واقعیت تاریخی را هم نباید از نظر دور داشت که ترک‌ها به صورت سنتی ترجیح می‌دهند در کشور خود زندگی کنند و به جاهایی که بیگانگان در اکثریت‌اند، مهاجرت نکنند مگر آنکه به اجبار باشد. (یزدانی و محموداغلی، ۱۳۸۸: ۱۴۵) علاوه بر موارد ذکرشده، افکار عمومی و سیاست‌مداران اروپا نگران هستند که مهاجرت کارگران ترک در رشد سازمان‌های افراطی اسلامی در اروپای غربی نقش ایفا کند. اینان در تأیید ادعاهای خود به افزایش تمایلات دینی بسیاری از ترک‌ها به دلایل اجتماعی و روانی چون آزادی بیشتر در اروپا برای بیان هویت دینی نسبت به ترکیه پس از مهاجرت اشاره می‌کنند. (بی نا، ۱۳۷۶: ۹۶) این دسته از اروپاییان با اشاره به برخی آمارها مدعی هستند که اگر فکری به حال مهاجرت مسلمانان به ویژه ترک‌ها نشود، تا سال ۲۰۲۰ تعداد مساجد در برخی کشورها چون انگلیس از تعداد کلیساها پیشی خواهد گرفت. (کریمی، ۱۳۸۵: ۱۱-۱۰)

در سال‌های اخیر احزاب دست راستی به این ترس از مهاجرت ترک‌ها به اتحادیه اروپا دامن می‌زنند. آنان به خصوص در کشورهایی که در اپوزیسیون هستند، با بهره‌گیری از ترس از تهاجم معنوی ترک‌ها، درصدد بسیج افکار عمومی برای رسیدن به خواسته‌های سیاسی هستند. نمونه مشخص این موضوع در آلمان مشهود است.

عجیب تر آنکه اکثر کارگران ترک به علت شرایط سخت زندگی خود در کشورشان و اعمال برخی بی عدالتی ها از سوی مقامات آنکارا نسبت به برخی قشرها و اقلیت ها (مانند مناطق کردنشین جنوب شرقی) به عنوان مخالفان دولت ترکیه در خارج از کشور ایفای نقش می‌کنند. این مهم با توجه به فضای بازتر سیاسی در اروپا در مقایسه با ترکیه و آشنایی این کارگران با شاخص های دموکراسی غربی موجب تحریک احساسات افکار عمومی اروپا در برابر حاکمیت ترکیه توسط این قشر برای

گرفتن امتیاز بیشتر از دولت مردان ترکیه شده است. در تأیید این موضوع باید گفت هم اکنون بسیاری از این کارگران در پوشش نهادهای مدنی و گروه فشار در اروپا عمل می کنند. این گروه‌ها خواستار انجام اصلاحات گسترده تر و تضمین آزادی‌های مدنی قبل از عضویت ترکیه در اروپا هستند که با حمایت جریان های مخالف عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا همراه شده است.

۳. تقویت موقعیت مسلمانان در اتحادیه اروپا در صورت پیوستن ترکیه

از نظر برخی دیگر از اروپایی‌ها، پیوستن ۷۱ میلیون مسلمان ترک به اتحادیه اروپا موجب خواهد شد تعداد مسلمانان موجود در این اتحادیه از ۳ درصد فعلی (۱۵ میلیون نفر) به ۲۰ درصد (۸۵ میلیون نفر) برسد. به همین علت، اتحادیه اروپا هر از گاهی اعلام می‌کند اگر چنین وضعیتی پیش آید، هرگز نمی‌تواند هویت مسیحی را در قانون اساسی اروپا تضمین کند. (داستان تکراری ترکیه و...، ۱۳۸۵: ۱۱) بر اساس برخی گزارش‌ها، ترکیه تا سال ۲۰۲۰ جمعیتی بیش از ۸۲ میلیون نفر خواهد داشت که در آن صورت، پرجمعیت‌ترین کشور اتحادیه اروپا خواهد شد. اگر ترکیه ۸۲ میلیون نفری کشوری اروپایی محسوب شود، هر گونه رأی‌گیری توازن اتحادیه را بر هم خواهد زد.

با عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا نمایندگان ترکیه در پارلمان اروپا بیش از سایر کشورها خواهند بود. در آن صورت نمایندگان اروپایی ضد اسلامی و مهاجران خارجی که از سوی بخشی از مردم اروپا به پارلمان اروپا راه یافته‌اند، با نمایندگان مسلمان طرفدار مهاجران انتخابی از سوی ترکیه مقابل هم قرار خواهند گرفت. به قول یک سیاست‌مدار برجسته اروپایی «اگر ترکیه به اتحادیه اروپا راه یابد، بدین معنا خواهد بود که لوپن‌ها و هایدرهای بیشتری در سیاست اروپا سر در خواهند آورد.» (ترکیه لقمه گلوگیر برای ...، ۱۳۸۱: ۶۵- ۶۴) یکی از دلایل مخالفت فرانسه با عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا همین نگرانی‌هاست.[۱]

۴. هم‌مرز شدن اتحادیه اروپا با جهان اسلام

همان‌گونه که گفته شد، یکی از نکات مثبت برای اتحادیه اروپا در صورت پیوستن ترکیه، نقش این عضویت در کاهش تنش میان جهان اسلام و غرب و در نتیجه

۱. البته جنبه‌های ملی‌گرایانه و مذهبی را در این مخالفت‌ها نباید نادیده گرفت.

حرکت به سوی آشتی میان تمدن‌ها خواهد بود. اما این نکته مثبت درون خود تناقضی جدی به دنبال دارد؛ زیرا با تحقق رؤیای آنکارا در پیوستن به اروپا، این اتحادیه با کشورهای اسلامی و خاورمیانه‌ای ایران، سوریه و عراق هم‌مرز خواهد شد. در این صورت امکان درگیر شدن اروپا با مشکلات این کشورها وجود دارد.

۵. ذهنیت منفی تاریخی اروپاییان نسبت به مسلمانان

تقابل میان اسلام و غرب ریشه در تاریخ دارد؛ به طوری که تفکرات و احساسات حاکی از بدگمانی و ترس این دو تمدن به یکدیگر، میان جوامع تشکیل‌دهنده آنان سینه به سینه منتقل می‌شود. (مردن، ۱۳۷۹: ۳۱) حال باید دید علل تاریخی ترس اروپاییان از اسلام چیست؟

برای پاسخ‌گویی به این سؤال باید به نوع ذهنیت متفکران اروپایی و سابقه تاریخی اروپاییان از مسلمانان اشاره کرد. با توجه به سابقه تاریخی منفی اروپاییان از شرق و اسلام و هم‌چنین آثار منفی اندیشه‌های متفکران بزرگ اروپایی چون ارسطو، مونتسکیو، ماکیاول و دیگران درباره ملل شرقی و اسلام، ذهن اروپاییان مملو از اندیشه‌های منفی است که طی مدت‌های طولانی توسط مبلغان مسیحی و مستشرقان بیان شده است. باید پذیرفت که مبلغان مسیحی از همان ابتدا، اسلام را انحراف و بدعتی از مسیحیت می‌دانستند و برای اینکه ذهنیت مؤمنان مسیحی را به اسلام مخدوش کنند، به سمت طرح مسائلی چون گسترش اسلام از طریق شمشیر، قوانین نابرابر درباره زنان و بردگان، احکام خشونت‌آمیز قصاص، سنگسار... رفتند. با کاهش فعالیت‌های مبلغان مسیحی، جای آنها را شرق‌شناسان اروپایی پر کردند. اکثریت شرق‌شناسانی که به مطالعه اسلام پرداختند، نتوانستند با نگاهی بی‌طرفانه و علمی به اسلام بپردازند و تقریباً تمام تحقیقات آنان به همان نتایجی رسید که پیش از این مبلغان مسیحی به آن رسیده بودند. (نقیب‌زاده و صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۸۷: ۲۲- ۲۱)

به قول ادوارد سعید در کتاب اسلام و رسانه‌ها، «اساس و پایه شرق‌شناسی نوعی تقسیم و دو قطبی کردن جغرافیایی است که جهان را به دو بخش خیالی و در عین حال، کاملاً مجزای «ما» و «دیگران» تقسیم می‌کند. بخش بزرگ‌تر و «متفاوت»، شرق نامیده شد و دیگری که متعلق به «ما» است، مغرب یا غرب. چنین بخش‌بندی معمولاً زمانی پیش می‌آید که یک جامعه فرهنگی به جامعه

فرهنگی دیگر می‌اندیشد و خود را متفاوت می‌داند. اما نکته جالب در مورد شرق این است که گرچه غربی‌ها همواره آن را بخش حقیر دنیا فرض کرده‌اند، از نظر وسعت، کمیت و نیرو از موهبت بیشتری برخوردار بوده است. از آنجا که اسلام همواره متعلق به شرق بوده است، درون ساختار کلی شرق‌شناسی دارای سرنوشت خاص فرض و به آن در درجه اول به صورت مسئله‌ای انعطاف‌ناپذیر و سپس بر اساس همین انعطاف‌ناپذیری، با ترس و دشمنی می‌نگریستند. تردید نیست که این امر دلایل روان‌شناختی، سیاسی و مذهبی بسیار دارد، با این حال، همه اینها ناشی از این احساس است که غرب نه تنها اسلام را رقیبی رغت‌انگیز می‌داند، بلکه این دین آخرین رقیب در برابر مسیحیت به شمار می‌رود. جهان اسلام که از هر دین غیرمسیحی به اروپا نزدیک‌تر بود، با این مجاورت و قدرت پنهان خویش، دوباره خاطرات هجوم‌های خود را در ذهن اروپاییان بیدار می‌کرد و بارها و بارها خواب غرب را آشفته می‌ساخت». (سعید، ۱۳۷۹: ۷۵- ۷۴)

در تکمیل دیدگاه ادوارد سعید، مورخ بریتانیایی، آلبرت هورانی، می‌گوید: از نظر غرب، اسلام از همان آغاز ظهور، معضلی برای اروپای مسیحی بود. مسیحیان با نگاهی آمیخته با ترس و خوف به اسلام نتوانستند حضرت محمد (ص) را به عنوان پیامبری اصیل با اصالت نزول وحی در وی بپذیرند. باور اکثر مسیحیان این بود که اسلام دینی ساختگی است. کسانی مردم را به اسلام دعوت می‌کردند که شخصیت و انگیزه‌های آنها با شمشیر تبلیغ می‌شد. (جرجیس، ۱۳۸۲: ۸۲-۸۱)

به لحاظ تاریخی، سابقه دشمنی‌ورزی‌های مسیحیان با مسلمانان به قرن هشتم میلادی برمی‌گردد که مسلمانان بر شبه جزیره «ایبری» مسلط شدند و عبدالرحمن عرب تا میانه خاک فرانسه پیش رفت. شارل مارتل در سال ۷۳۳ م از پیشروی عبدالرحمن جلوگیری و او را مجبور به عقب‌نشینی کرد. این پیروزی آن‌قدر مهم بود که فرزند او کارلمال با بهره‌گیری از محبوبیت پدر، سلطنت فرانسه را از سلسله «مروونژین‌ها» گرفت و به خانواده خود منتقل و سلسله «کارولانژین‌ها» را تأسیس کرد. این خصومت‌ها سبب بروز جنگ‌های صلیبی در آستانه قرن دوازدهم شد. (نقیب زاده، پاییز و زمستان ۱۳۸۵: ۲)

پس از پایان قرون ظلمت و تاریکی در اروپا و آغاز عصر رنسانس، این کینه‌ورزی‌ها ابعاد گسترده‌تری یافت، زیرا حرکت اروپا به سوی سکولاریسم و ارائه تصویری نو

از بشریت که صد در صد مخالف همه آن چیزی بود که اسلام برای آن برپا شده بود و همراه شدن قدرت نظامی غرب برای سرکوب فرهنگ‌های دینی از جمله اسلام به این دشمنی‌ها دامن زد. (نصر، ۱۳۸۳: ۳۸۱- ۳۸۰)

طی قرن‌های ۱۹ و ۲۰، توقف، انفعال و رکود در جهان اسلام از نگرانی گروه‌های ضد اسلامی کاست. از این زمان غرب در حالتی تهاجمی قرار گرفت و مسلمانان سنگر به سنگر مواضع خود را واگذار و عقب‌نشینی کردند. پس از احیای مجدد و بازیابی هویت جهان اسلام که از اواخر قرن بیستم به ویژه با پیروزی انقلاب اسلامی ایران آغاز شد، به تدریج احساس ترس از اسلام و مقابله با مسلمانان در غرب در ابعاد جدیدی آغاز شد. (امینیان، ۱۳۸۷: ۱۰۶)

پس از فروپاشی پرده آهنین و نابودی وحدت غرب در برابر دنیای شر یا همان کمونیست، نوعی دگرگونی ماهیتی در اختلاف‌های بین‌المللی پدیدار شد. از یک سو با برتری سرمایه‌داری، فرایند جهانی‌سازی که اوج یکه‌تازی لیبرال دموکراسی بود، آشکار شد و از سوی دیگر، تمدن غربی برای حفظ انسجام درونی، به بیگانه و دشمن خارجی نیاز داشت که اسلام، بدین منظور معرفی شد. هانتینگتون می‌گوید: «مادام که اسلام هم‌چنان اسلام بماند و غرب نیز غرب بماند، نزاع بنیادین میان این دو تمدن و روش زندگی، روابط آنها را در آینده نیز تعریف خواهد کرد؛ همان‌گونه که در چهارده قرن گذشته صورت پذیرفته است.» (یزدانی و ایزدی، پاییز و زمستان ۱۳۸۶: ۷۶)

در نطقی دیگر جان گالوین، فرمانده نیروی ناتو، هنگام ترک بروکسل (مرکز اتحادیه ناتو) در سال ۱۹۹۲ اعلام کرد: «ما جنگ سرد را از روسیه کمونیست بردیم، حال می‌توانیم پس از کجروی هفتاد ساله، به نبرد واقعی خود که قدمتی ۱۴۰۰ ساله دارد و همانا رویارویی با اسلام است، بازگردیم.» (منصوری، ۱۳۸۶: ۱۶) از این رو، دستگاه‌های نظریه‌پردازی به کار افتادند و از نظریه «پایان تاریخ» فوکویاما پرده برداشتند. پایان تاریخ بدین معنا بود که همه چیز به لیبرالیسم غربی ختم خواهد شد و بقیه روش‌ها محکوم به شکست‌اند.

روس‌ها با شکست خود و چینی‌ها با تجدید نظر در نظام اقتصادی خود بهترین ادله را در اختیار این نظریه قرار دادند. با حوادثی چون پیروزی نیروهای جهادی بر ارتش سرخ در افغانستان، پیروزی جبهه نجات اسلامی در الجزایر، پیروزی طالبان در افغانستان و معرفی چهره‌ای خشن از این گروه به نام اسلام در غرب، مطرح

شدن مسئله حجاب در مدارس غرب به ویژه فرانسه، انتفاضه فلسطین و در نهایت حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، وقوع سلسله حوادث کوچک‌تر مانند بمب‌گذاری در مترو پاریس و سایر شهرهای اروپایی، اسلام و مسلمانان در معرض گستاخانه‌ترین اتهامات، تحقیرها و توطئه‌ها قرار گرفتند. (نقیب-زاده، ۱۳۸۵: ۷-۴)

۶. تضادهای تاریخی امپراتوری عثمانی و اروپا

اگر بپذیریم تاریخ ترکیه از سال ۱۴۵۳م با فتح قسطنطنیه به دست سلطان محمد فاتح رقم خورده است، هم اکنون بیش از ۵۰۰ سال از عمر این حکومت اسلامی می‌گذرد. امپراتوری عثمانی در عمر ۴۵۰ ساله خود بیشترین چالش ها و تنش ها را در روابط خارجی با کشورهای غربی و اروپایی داشت. (راس، ۱۳۷۳: ۶۳۲-۶۳۱)

اگرچه دولت عثمانی را نمی توان رژیمی صد در صد اسلامی تلقی کرد، در این دوره اسلام علاوه بر ایجاد اعتبار معنوی برای خلفای عثمانی، این قدرت را به آنها بخشیده بود که با گسترش قلمرو حکومت، عنوان خلیفه مسلمانان جهان را به خود اختصاص دهند و در نبرد با سایر کشورهای غیرمسلمان، خود را منادی و پرچم‌دار اسلام بدانند و جنگ‌های خود را به عنوان جنگ کفر و اسلام مطرح سازند. ساختار فرهنگی جامعه و تعصب و غیرتی که ناشی از گرایش‌های اسلامی مردم بود، دولت عثمانی را در بسیج نیروهای مردم توانا ساخته بود، به گونه‌ای که از آنها در راه پیشبرد مقاصد سیاسی خود بهره‌برداری می‌کرد. با تسلط مسلمانان عثمانی بر «بیزانس»[1]، پایتخت روم شرقی، در قرن ۱۵ میلادی و تحت کنترل درآوردن بخش‌های گسترده‌ای از اروپا (که تا محاصره وین، پایتخت اتریش هم پیش رفت) مسیحیان ارتدوکس در مناطق گسترده‌ای تحت کنترل مسلمانان قرار گرفتند و قلمرو مسیحیان کاتولیک هم‌مرز مسلمانان شد. تسلط امپراتوری عثمانی بر خاورمیانه و کشورهای حوزه شرقی دریای مدیترانه، اروپاییان را مرعوب ساخته بود. (مردن، ۱۳۷۹: ۳۲)

همان‌گونه که اشاره شد، در ذهن اکثر شرق شناسان، تحلیلگران و حتی سیاست مداران غرب نوعی اوهام در قبال اسلام وجود دارد. این مسأله با توجه به تسلط پانصد ساله امپراتوری عثمانی بر بخش‌هایی از اروپا و در خطر قرار گرفتن کیان مسیحی توسط مسلمانان ترک، ابعاد پیچیده تری یافته است. زنده بودن

1. Byzantium

این نگرش در برخی مراکز ذی نفوذ در اتحادیه اروپا در مورد ترکیه به عنوان میراث دار امپراتوری عثمانی، عرصه را برای آنکارا تنگ تر کرده است.
بیداری دوباره تفکر عثمانی گرایی و تلاش برخی سیاست مداران و مردم ترکیه برای نزدیکی به کشورهای مسلمان و در دست گرفتن مجدد رهبری جهان اسلام، آن‌گونه که در دوران عظمت امپراتوری عثمانی بر عهده داشتند، بر عمق نگرانی های جریان بنیادگرای مذهبی فعال در اتحادیه اروپا علیه عضویت آنکارا افزوده است. این دیدگاه با توجه به مانع‌تراشی های اتحادیه اروپا، به رغم اصلاحات گسترده ترکیه برای جلب نظر این اتحادیه از سال ۲۰۰۷ به این سو، طرفداران زیادی در ترکیه یافته است. تا همین دو سال پیش، نظرسنجی‌ها حاکی از این بود که بیش از ۷۰ درصد مردم ترکیه تمایل دارند کشورشان عضو اتحادیه اروپا شود؛ در حالی که امروز، فقط ۴۳ درصد مردم ترکیه با پیوستن کشورشان به اتحادیه اروپا موافق‌اند.
فرهنگ سیاسی در ترکیه همانند سایر کشورهایی که دارای امپراتوری جهانی بوده‌اند، مبتنی بر نوعی برتری طلبی است. (محمدی، ۱۳۸۶: ۱۹۹) بنابر نظرسنجی‌ها، ۳۶ درصد ترک‌ها گمان می‌کنند که آمریکا و ترکیه در حال نزدیک شدن به یک جنگ هستند. کتاب توفان فلزی که درباره حمله آمریکا به ترکیه و پایان یافتن این جنـگ با تخریب اتمـی واشنگتن است، یکی از بهتریـن و پرفروش‌ترین رمان‌های تاریخ ترکیه شناخته شد.
هنوز هم ترک‌ها نوستالژی شکست امپراتوری عثمانی را در دروازه‌های وین در سال ۱۶۸۳ در حافظه تاریـخی خود زنده نگاه داشته اند. (شکیبایی، ۱۳۸۸) یکی از نویسندگان ترکیه در تأیید دیدگاه بالا می‌گوید: «وقتی در کتاب‌های رسمی تاریخ مدارس به جایی می‌رسیدیم که نوشته شده بود: عثمانی‌ها تا دروازه‌های وین را فتح کردند، اما نتوانستند از آن پیش بروند، همه ما به همراه معلمان تاریخ در اندوه فرو می‌رفتیم. اگرچه توقف پشت دروازه‌های وین ما را اندوهگین می‌کرد، در همان حال، هیچ حسی به ناتوانی عثمانی‌ها در شکست دادن ایران یا زیر سلطه نگه داشتن بخش‌هایی از روسیه نداشتیم.» (اوزونر، ۱۳۸۴: ۵)

۷. حوادث ۱۱ سپتامبر و تشدید جو اسلام‌هراسی

پس از برخورد هواپیماهای مسافربری به برج‌های دوقلوی تجارت جهانی در

نیویورک، رسانه‌های اروپایی و غربی با مرتبط ساختن اسلام با تروریسم و نشان دادن تصاویر فلسطینیان خوشحال از این واقعه و ارائه گزارش‌های یکجانبه، تخریب چهره مسلمانان را آغاز کردند. این اقدامات به اینجا ختم نشد؛ زیرا در طول این دوران، به ویژه روزهای پس از حوادث مذکور، صدها عمل جنایتکارانه علیه مسلمانان، مساجد و اماکن متعلق به آنان انجام گرفت که در مواردی به کشته شدن مسلمانان انجامید. (امینیان، ۱۳۸۷: ۱۰۷)

این موارد در دانشگاه‌ها شامل خشونت جسمی، ناسزا گفتن، تهدید کردن مانند انداختن بمب در مراسم نماز و عبادات در دانشگاه منچستر، ایراد مواضع منفی و وطن‌پرستی در نشریات دانشجویی و ارائه این تصویر بوده است که مسلمانان بیگانه و محدودکننده‌اند. (کریمی، ۱۳۸۵: ۱۴) اهانت به ساحت پیامبر اکرم(ص)، انتشار تصاویر موهن از ایشان به نام آزادی بیان، فیلم موهن سیاست‌مدار هلندی گیرت ویلدرز، اعطای جایزه به سلمان رشدی، شهادت مظلومانه بانوی محجبه مصری در دادگاهی در آلمان به دست یک نژادپرست آلمانی و در نهایت، قرآن سوزی اخیر در آمریکا در همین راستا قابل ارزیابی است.

در این بین، شرق‌شناسان و برخی روشن‌فکران اروپایی با ادبیاتی سخیف و مغرضانه بر شدت حملات دنیای غرب بر جهان اسلام افزودند. برای مثال، اورینا فالاچی پس از سال‌ها لب به سخن گشود و در کتاب خود به نام خشم و غرور با عصبانیت تمام در تأیید دیدگاه‌های نومحافظه‌کارانی چون جورج بوش و دیک چنی، نوشت: «مردم بیدار شوید!... شما نمی‌دانید یا نمی‌خواهید بدانید یک جنگ صلیبی متقابل آغاز شده است. چرا واقعیت‌ها را نمی‌بینید یا نمی‌خواهید درک کنید که یک جنگ مذهبی دارد اتفاق می‌افتد؟ جنگی که آنان آن را «جهاد» می‌دانند و تنها هدفش تسخیر سرزمین ما نیست، اما مطمئناً درصدد تسخیر روح ما و نابود کردن آزادی ماست. جنگی که تمدن ما را نابود می‌کند، شیوه زندگی و مرگ، شیوه نیایش یا عدم نیایش، شیوه غذا خوردن، نوشیدن، لباس پوشیدن، آموختن و از زندگی لذت بردن... اگر ما نجنگیم، جهاد پیروز خواهد شد. بله پیروز خواهد شد و جهانی را که ما ساخته‌ایم، ویران خواهد کرد... فرهنگ ما، هنر ما، علوم ما، هویت ما، اخلاق ما، ارزش‌های ما، شادمانی‌های ما.» (مهاجرانی، ۱۳۸۲: ۲۵- ۲۴)

در این میان، ترکیه با وجود داشتن نظامی لائیک و طرفدار غرب، فقط به جرم

مسلمان بودن مردمانش و پای‌بندی جریان ارتدوکس و بنیادگرای غرب در اروپا به میراث نفرت مذهبی و ترویج این رویکرد در سال‌های پس از حوادث ۱۱ سپتامبر، با بهانه‌گیری‌های بیشتر اتحادیه اروپا مواجه شده است. جالب آنکه به باور بیشتر تحلیلگران مستقل، آنچه به نام اسلام در ترکیه امروز در حال باروری است، نوعی اسلام صوفیانه و تا حدودی غیرسیاسی‌تر نسبت به اسلام سیاسی مد نظر غرب در ایران است و به علت سیاست‌های دستوری و خشن آتاتورک و جانشینان عمدتاً لائیک پس از وی با بدعت‌هایی نیز همراه شده است. با این حال، این اسلامِ تا حدودی مطابق میل غرب (نسبت به مدل شیعی ایران، به ویژه خطوط ترسیمی آن توسط امام خمینی(ره)) برای اروپاییان غیرقابل تحمل می‌نماید.

باید اذعان کرد امروز بقایای میراث گذشته غرب در قبال دنیای اسلام هنوز میان اروپاییان قوی است. روی کار آمدن اسلام‌گرایان در ترکیه، حضور قوی اسلام را که مدت‌های مدید در امپراتوری عثمانی نمود داشته و همراه با خطر اوهام اسلام بوده، بار دیگر در اذهان اروپاییان زنده کرده است. به ویژه که بخش‌های وسیعی از جوامع غربی دارای جو مقابله با هر چیزی است که نماینده فرهنگ اسلامی باشد. این موضوع از دید نظریه‌پردازان و صاحبان نفوذ در کشورهای اروپایی که منافع خود را در زنده کردن کینه‌های تاریخی می‌دانند، پنهان نمانده است. امروز اروپاییانِ به ظاهر مدافع تساهل مذهبی به علت عقده‌های تاریخی و ترس ذاتی خود از آیین رهایی‌بخش اسلام، تمایل چندانی به عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا از خود نشان نمی‌دهند. به قول «مت روسنبرگ»[1] «اروپا بر این باور است که فرهنگ و ارزش‌های ترکیه از اروپا متفاوت است؛ زیرا ۹۹/۸ درصد از جمعیت این کشور مسلمان هستند.» (Rosenberg, 2009) حاکمیت جریان نو صلیبی در سطح اول حاکمیت کشورهای اروپایی بر شدت مخالفت‌ها با عضویت ترکیه در اروپا افزوده است. اما اتحادیه اروپا بنا به شاخص‌های خود حق ندارد از اسلامی بودن یک جامعه و یک فرهنگ به عنوان دستاویزی برای مخالفت با عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا استفاده کند زیرا امروز آزادی مذهب یکی از ارزش‌های اروپایی به شمار می‌رود.

1. Matt Rosenberg

نتیجه‌گیری

ترکیه به دلیل موقعیت خاص تاریخی و راهبردی همواره به عنوان قدرتی منطقه‌ای در معادلات خاورمیانه، قفقاز و حتی اروپا نقش ایفا کرده است. پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی به عنوان رژیمی مذهبی و سنتی، شاهد حرکت تمام و کمال ترکیه در راستای ارزش‌های غربی و غیردینی و بعضاً ضد دینی تحمیلی حاکمان لائیک این کشور بودیم. از این زمان پیوستن به بلوک ثروتمند اروپای غربی به کمال مطلوب نزد بسیاری از سیاست‌مداران، نخبگان و توده‌های مردم ترکیه تبدیل شده است. در رسیدن به این هدف، هیچ جریانی اعم از اسلام‌گرا و لائیک مشکلی ندارد. با وجود این، آرزوی ترک‌ها مبنی بر عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا تقریباً در حال تبدیل شدن به آرزوی داشتن کشوری مستقل از سوی فلسطینی‌هاست. اگرچه دخالت نظامیان در سیاست، بحران کردستان، نقض حقوق بشر بر اساس شاخص های غربی، وضعیت نامطلوب اقتصادی در مقایسه با اتحادیه اروپا، روابط پرتنش با برخی همسایگان چون ارمنستان و مشکل لاینحل قبرس به عنوان عواملی مطرح‌اند که موجب ایجاد مرزبندی سیاسی میان ترکیه و اتحادیه اروپا شده‌اند، با توجه به اقدام ترکیه برای اصلاحات اساسی ساختار قضایی، مدنی و حتی قانون اساسی به منظور همراهی با شاخص های اروپایی و محدود کردن اختیارات نهادهایی چون دادگاه قانون اساسی و نظامیان در کنار تداوم رویکرد منفی اروپا به عضویت آنکارا، به نظر می رسد آنچه مانع تحقق رؤیای ۴۸ ساله اروپایی شدن ترکیه شده، دین و هویت تاریخی و اسلامی مردم این کشور است. این نگاه با رهیافت سازه انگاری به عنوان پارادایم فکری- نظری گره خورده است.

کشورهای کلیدی اروپا که هنوز تلخی ناشی از اقتدار و شکوه امپراتوری اسلامی عثمانی و تسلط آن بر تقریباً کل اروپا را در ذائقه دارند، با طرح بهانه‌های فراوان از پیوستن این کشور به اتحادیه اروپا جلوگیری می‌کنند. هنوز هم بسیاری از اروپاییان بر این باورند که در صورت پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا، بار دیگر کابوس حاکمیت مسلمانان بر اروپا در شکلی دیگر تحقق خواهد یافت.

از بدو پیدایش اسلام و آغاز رقابت‌های اوهام‌گونه اربابان کلیسا با اسلام، شاهد نوعی کج‌فهمی و در نهایت آنچه از آن با عنوان «اسلام‌هراسی» یاد می‌شود، در

ذهنیت برخی اروپاییان بوده‌ایم. این نگرش عنادآلود به اسلام به وضوح در کتب اکثر اندیشمندان سیاسی، مبلغان و حتی مقامات سیاسی غرب مشهود است.
تکرار این مفروض طی قرون مختلف به نوعی در اذهان افکار عمومی اروپاییان ملکه شده است. این گره تاریخی در سال‌های اخیر با وقوع حوادثی چون ۱۱ سپتامبر و تشدید تبلیغات مصموم رسانه‌های غربی به منظور افراطی، ستیزه‌جو و تروریسم نشان دادن مسلمانان و در نتیجه، تقویت جو اسلام‌ستیزی در غرب و اروپا ابعاد جدیدی یافته است. در این فضا وقوع برخی حوادث مانند تشدید رکود در نظام سرمایه‌داری و تقویت جریان‌های راست افراطی فضا را برای عضویت ترکیه در اتحادیه اروپایی تیره‌تر کرده است.
امروز اروپایی‌های به ظاهر سکولار ولی در عمل بنیادگرا، هویت کلوپ مسیحی اتحادیه اروپا را در خطر می‌بینند، زیرا با عضویت ترکیه در این اتحادیه دیگر نمی‌توان از هویت مسیحی حرف زد. در صورت عضویت آنکارا در اتحادیه اروپا، شاهد دخالت این کشور در فرایند تصمیم‌سازی اروپا از طریق فرآیندهای طراحی‌شده در این اتحادیه خواهیم بود و در آینده نزدیک ترکیه با ۸۲ میلیون جمعیت رأیی برابر آلمان و در نتیجه قدرتی برابر این کشور در پارلمان اروپا خواهد داشت. عملی شدن این رویداد، برای برخی‌ها در اروپا چیزی مساوی فاجعه و تسلط دوباره ترک‌ها و مسلمانان بر اروپا خواهد بود.
باید پذیرفت هنوز هم افکار عمومی اروپا و نخبگان سیاسی اروپا دید مثبتی برای پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا ندارند.
با توجه به شرایط موجود در عرصه بین‌المللی و موانع ذکرشده به خصوص مواضع و بهانه‌تراشی‌های احتمالی آینده، نمی‌توان افقی را دست‌کم در کوتاه‌مدت برای پیوستن آنکارا به اتحادیه اروپا در نظر گرفت.

منابع فارسی:

الف) کتاب

- ابوک، کریس (۱۳۸۴)، **ترکیه**، ترجمه مهسا خلیلی، تهران: ققنوس.
- اسکندریان، مهدی و قاسم سیمیاریان (۱۳۸۴)، **آشنایی با کشورهای اسلامی (۳) ترکیه**، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- انصاری، جواد (۱۳۷۳)، **ترکیه در جستجوی نقشی تازه در منطقه**، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- بی نا (۱۳۷۶)، **جریانات اسلامی در ترکیه**، ترجمه حامد صادقی، تهران: حوزه هنری.
- جرجیس، فواز ای. (۱۳۸۲)، **آمریکا و اسلام سیاسی**، ترجمه محمد کاظم سروریان، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- راس، کین (۱۳۷۳)، **قرون عثمانی (ظهور و سقوط امپراتوری عثمانی)**، تهران: کهکشان.
- سعید، ادوارد (۱۳۷۹)، **اسلام و رسانه‌ها**، ترجمه اکبر افسری، تهران: توس.
- قاسمی، صابر (۱۳۷۴)، **ترکیه**، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- مارتین، فیلیپ و جوناس ویگرن (۱۳۸۶)، **مهاجرت بین‌المللی رویارویی با چالش‌ها**، ترجمه ابوالقاسم ناظمی اردکانی و محمد عاملی خراسکانی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- محمدی، منوچهر (۱۳۸۶)، **آینده نظام بین‌الملل و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، زمستان.
- محمدیان، سهیلا (۱۳۸۲)، «**پ‌ک‌ک: تغییر تاکتیک یا تغییر استراتژی**»، در گزیده تحولات جهان (۳)، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر (۱۳۸۸)، «**تحلیلی بر نتایج انتخابات پارلمانی ترکیه**»، در گزیده تحولات جهان (۱۰)، تهران، دی.
- مردن، سیمون (۱۳۷۹)، **تقابل فرهنگی در روابط بین‌الملل: اسلام و غرب**، ترجمه احمد علیخانی، تهران: پیام سپاس.
- مسائلی، محمود (۱۳۸۲)، **اتحادیه اروپا: از بنیادهای نظری تا وضعیت حاضر**، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- مولوی، پیمان و رضا صولت (۱۳۸۴)، «**نگاه به شکاف ایجادشده در حزب جمهوری‌خواه**»، در گزیده تحولات جهان (۳۳)، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، معاونت پژوهش.
- منصوری، جواد (۱۳۸۵)، **آمریکا و خاورمیانه**، تهران: وزارت امور خارجه، اسفند ۱۳۸۶.
- «**جهان اسلام و استعمار فرانو**»، بیداری اسلامی.
- مهاجرانی، عطاءالله (۱۳۸۲)، **اسلام و غرب**، تهران: اطلاعات.
- نامورحقیقی، علیرضا (۱۳۷۲)، **پژوهشی پیرامون روند تحولات اسلام‌گرایی در ترکیه**، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات بین‌المللی تهران.
- نصر، حسین (۱۳۸۳)، **اسلام و تنگناهای انسان متجدد**، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی، بهار.

ب) مقاله

- امینیان، بهادر (۱۳۸۷)، «**اسلام‌ستیزی در غرب: دلایل و ویژگی‌ها**»، فصلنامه سیاست خارجی، بهار.
- اوزونر، بوکت (۱۳۸۴)، «**رؤیای ۸۰۰ ساله اروپایی شدن: تأملی درباره عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا**»، ترجمه آیدین فرنگی، شرق، ۲۴ فروردین.
- «**ترکیه لقمه گلوگیر برای اتحادیه اروپا**»، (۱۳۸۱)، خواندنی، دی.
- «**تفسیر سیاسی اتحادیه اروپا و تداوم تحقیر ترکیه**» (۱۳۷۹)، جمهوری اسلامی، ۲۱ تیر.
- خسروشاهی، هادی (۱۳۸۷)، «**بازگشت به هویت**»، شهروند امروز، ۲۵ فروردین.
- «**داستان تکراری ترکیه و اتحادیه اروپا**» (۱۳۸۵)، ایران، ۲۸ آبان.
- صاحبی، محمد (۱۳۸۷)، «**نقدی بر حقوق بشر اروپایی**»، رویدادها و تحلیل‌ها، مرداد.
- کریمی، مجید (۱۳۸۵)، «**تصویر اسلام و مسلمانان در انگلستان پس از حوادث ۱۱ سپتامبر**»، فصلنامه مطالعات میان فرهنگی، تابستان.
- مولانا، حمید (۱۳۸۶)، «**هویت‌گرایی جدید در ترکیه**». کیهان.
- نقیب‌زاده، احمد و عباس صالحی نجف‌آبادی (۱۳۸۷)، «**تحلیل ریشه‌های اسلام‌هراسی در غرب**»، فصلنامه علمی- پژوهشی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، پاییز.
- «**نیاز به دشمن؛ این بار اسلام**» (۱۳۸۵)، فصلنامه مطالعات میان فرهنگی، پاییز و زمستان.
- نوع‌پرست، زهرا (۱۳۸۳)، «**ترکیه و دودستگی آراء**»، اطلاعات سیاسی- اقتصادی، بهمن و اسفند.
- واحدناوان، عارف (۱۳۸۳)، «**سکولارهای مؤمن ترکیه در بازی اتحادیه اروپا**»، گزارش، بهمن.
- هادیان، ناصر (۱۳۸۲)، «**سازه‌انگاری: از روابط بین‌الملل تا سیاست خارجی**»، فصلنامه سیاست خارجی، زمستان.
- یزدانی، عنایت‌الله و رضا محمود اوغلی (۱۳۸۸)، «**الحاق ترکیه در اتحادیه اروپا و فرصت‌ها و چالش‌های به وجودآمده بین دو طرف**»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی(ISJ)، بهار.
- «**تروریسم اسلامی؛ افسانه یا واقعیت**» (۱۳۸۶)، ترجمه هجرت ایزدی، فصلنامه علوم سیاسی، پاییز و زمستان.

ج) سایت

- شکیبایی، رضا (۱۳۸۸)، «**رؤیای اروپایی شدن و خلع سلاح ترکیه**»، اردیبهشت:
http://Sharifnews.Com/?10548

منابع لاتین

سایت ها

«A Turkish Perspective on EU-Turkey Relations» (2008), *http://www.Reflectioncafe. net /2008/02/turkish-perspective-on-eu-turkey.html, 11 Febrary.*

- Banks, Martin (2009), **«Turkey Remains <Determined> to Join EU»**, *http://www. theparliament.com/latestnews/news-article/newsarticle/turkey-remains-determined-to-join-eu/*, 25 Jun.

- Chatzistavrou, Filippa (2009), **«Turkey - European Union: A long - Standing Misunderstanding?»**, *http://www.re-public.gr/en/?p=460http://www.iaum.com,* 17 April.

- **«History of Relations Between Turkey and the Eu»** (2009), *http://www. Turkishembassy. com/II/O/Turkey_EU.htm*, 17 April.

-Horsley, William (2008), **«Turkey's EU bid Runs into Trouble»**, *http://news.bbc. co.uk/2/ hi/7329061.stm,* 4 April.

- Rosenberg, Matt (2008), **«Turkey in the European Union»**, *http://geography.about.com/ od/politicalgeography/a/turkeyeu.htm,* 4 March.

- Seibert, Thomas (2009), **«Turkey's EU bid no longer Viable»**, *http://www.thenational. ae/article/20090617/FOREIGN/706169832/1013/NEWS*, 16 June.

منابع عربی:

سایت

- **«ترکیا و اوروبا»** (۲۰۰۹):

http://www.alriyadh.com/2004/10/25/article12767.print, 18 June.